

تحلیلی از یک کنده تاریخی

راجع بر مرجع پادشاهی کاشن پن

از استاد محیط طباطبائی

که بعد از پناهندگی به شاه طهماسب در ایران و بازگشت به هند توanst دو نفر از بزرگترین صورتگران ایران را با خود به هند ببرد : یکی میرسیدعلی تبریزی و دیگری عبدالصمد شیرازی . همایون میرسیدعلی را مأمور تصویر کتاب روز حمزه یا سرگذشت امیر حمزه صاحبقران کرد و این کار که در او آخر عهد زندگانی او آغاز گشت در روزگار پرسش اکبر شاه امتداد یافت و در طول هشت سال عده‌ای از هنرمندان ایرانی و هند ، نخست زیر دست میرسیدعلی تبریزی و پس زیر نظر عبدالصمد شیرازی به انجام این شاهکار هنری نقاشی پرداختند و این اثر بی نظیر را با هزار و چهارصد تصویر در دوازده دفتر ترتیب دادند .

این همکاری متمادی میان استادان فن تصویر ایران و هند و به رهبری دو استاد مسلم ایرانی ، مکتب جدیدی از چهره‌نگاری در هند بوجود آورد که آثار آن را در مرجع جهانگیری کتابخانه دولتی بر لین و برخی مرقعهای دیگر کتابخانه دیوان هند و موزه‌های لندن میتوان یافت .

هنر نقاشی و خطاطی هند در عهد شاهجهان به کمال خود رسید و مظہر تکامل این بیوند هنر ایران و هند را در مرجع پادشاهی که امروز در کتابخانه سلطنتی ایران بنام مرجع گلشن محفوظ است میتوان در دسترس مطالعه و مشاهده ارباب تبع قرارداد .

مرجع گلشن که یکی از نفیس‌ترین آثار هنری کتابخانه سلطنتی ایران است ، از قرار معلوم در اوان و لیعهدی ناصر الدین شاه به تصرف او در آمده و معلوم نیست که پیش از آن در دست که قرارداد شده وجهه مراحلی را گذرانده تا از کتابخانه سلاطین تیموری هند به کتابخانه ناصر الدین شاه قاجار انتقال یافته است . این مرجع که غالباً در یکصد و هفتاد و شش صفحه یا هشتاد و هشت ورق بصورت یک مجلد در آمده است تمامیتی به دو قسمت

عرفای صاحبدل که پشت پا به دنیا و ماقبها میزدند برای اینکه جلوه جامه‌های زیبا و دیبا را در نظر اهل دنیا خوار و بی‌مقدار کنند از کهنه پاره‌ها و وزنه‌های فرسوده و بدبور افتاده مرقعی فراهم می‌آوردند و با رقصه بر رقصه دوختن ووصله بروصله پیوستن ، تن پوشی خوارمایه ولی گرانپایه برای خود می‌ساختند که دیدار آن دیده را از جامه سوی صاحب جامه معطوف واژ صورت به معنی مصروف میداشت .

این مرجع غالباً از خرقه‌ها و رقصه‌ها و وصله‌های پشمی پرداخته میشد تا در سرمای زمستان بکار آید و کلمه خرقه در اصطلاح صوفیان نیز تا حدی مفید همین معنی بود . چنانکه حافظ دریک بیت جمع میان هردو لفظ میکند :

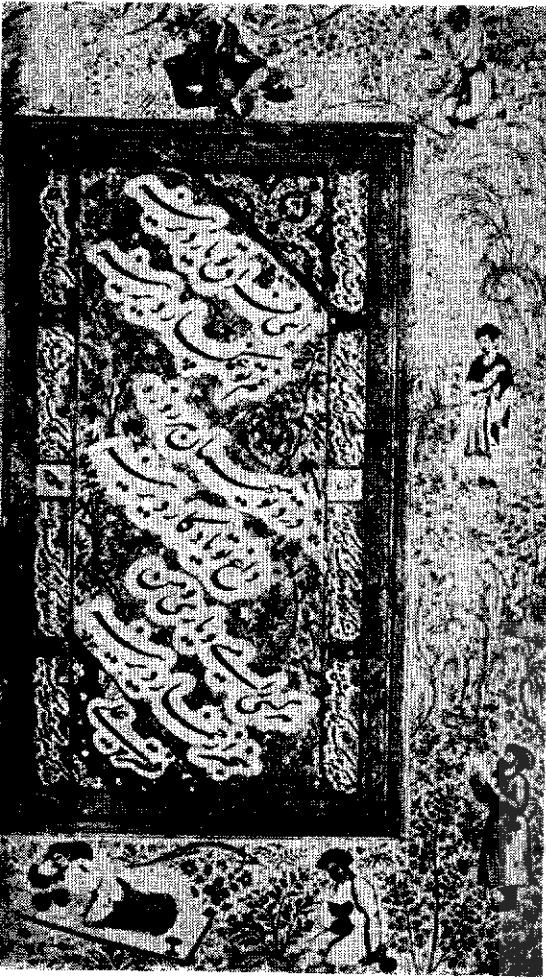
من این مرجع پشمینه بهر آن دارم

که زیر خرقه کشم می ، کس این گمان نبرد و راقان و صحافان زبر دست از ترکیب و تنظیم قطعه‌های منتخب خطوط خوش‌نویسان و پرده‌های تصویر نقاشان چیر دست مجموعه‌ای از اوراق پراکنده ترتیب میدادند که آن را به اعتبار شباختی که به مرجع درویشان از رقصه رقصه ووصله وصله بودن داشت ، مرجع میگفتند .

در دوره صفویه شاهزاد گان هند دوست این خانواده مرقعهای خط و نقاشی می‌پرداختند که یادگارهای ارزنهای از آنها هنوز در کتابخانه‌ها و موزه‌های اسلامبول ولندن و پاریس باقی است .

پادشاهان تیموری‌ترین هندوستان نیز این سلیقه را از اسلاف خود به میراث برده بودند و در جمع آوری خطوط و نقاشی سعی وافی بکار می‌بردند .

وقتی با بر از ایران به هند رفت آثاری از نویسنده‌گان و چهره‌نگاران مکتب هرات را با خود بدانجا ارمغان برد ولی ظهور مکتب نقاشی تازه هند از عهد همایون پسر با بر آغاز شد



شکل ۲
شکل ۳



جامی - اثر بهزاد

بعد از تاجگذشی او به محمدشاه، با نادر به ایران آمده باشد و متوايا در خانواده های افشار و زند و قاجار دست به دست گشته تا به ناصرالدین میرزا و لیعهد محمدشاه قاجار رسیده است. این تصور که آسانترین و ساده ترین احتمالات درباره وجود این مرقع در کتابخانه سلطنتی است، بامختصر کنجکاوی وقت از میان برداشته می شود.

زیرا هیچ گونه اثری بر اوراق آن دیده نمی شود که نشان بدهد این مرقع قبل از کتابخانه یکی از پادشاهان ایران وارد شده و در عرض و تفتیش و ثبت داخل بوده است. این قرینه حکایت می کند که راه انتقال این مرقع از هند به ایران راهی جزیره هند از طریق ارمنیا و گرجستان بوده است. علاوه بر این در استاد تاریخی مربوط بدان عصر که تفصیل هدایا و تحف ارمنیها هند را یاد کرده اند اشاره ای به وجود آن نمی رود.

اصولاً باید بپیدا ورد که در فهرست پیشکش های محمدشاه به نادر و تحفه هائی که نادر از سفر هند یا سفر دیگری به ایران آورده بود به ذکر سخن از کتاب میرود، جز دردو یا سه مورد که سخن از پیشکش کتاب در میان آمده است، یکی کتاب

جدا گانه تقسیم شده بود و دو مرقع را تشکیل میداد که یکی از آنها در کتابخانه و دیگری در خزانه اندرون شاهی بود. بعد از امر ناصرالدین شاه هر دو مرقع را به یکدیگر پیوسته و این مرقع حاضر را بوجود آورده اند.

مرقع اندرون شاهی مشتمل بر صد و هجده صفحه و مرقع کتابخانه سلطنتی شامل پنجاه و هشت صفحه بود که جمماً از المحقق آنها یکصد و هفتاد و شش صفحه موجود بوجود آمده است.

وجود اوراق متعددی بطور پراکنده در خارج از حوزه جلد بندی مرقع که بعد از تعداد ۲۴ ورق از آن را برای کتابخانه سلطنتی خریده اند و بطور مجزا نگهداری می شود با کلیه مختصات خط و نقاشی این مرقع، نشان میدهد که پیش از تجلیل و ترکیب دو مرقع اندرون و کتابخانه به صورت حاضر، شاید این اوراق از آن جدا شده و به دست دیگری افتاده باشد که بعد از این کتابخانه خریداری شده و در کنار اصل خود قرار گرفته است. در بادی امر شاید به خاطر برخی از افراد پیجو خطرور کند که این مرقع مانند تخت طاووس قدیم والماس کوه نور و در بیان نور از پیشکش های محمدشاهی بوده و در سفر هند نادر

باوصفی که از حجم کتاب میشود نباید کلاً ازین رفتہ باشد و شاید تمام یا بخش‌هایی از آن هنوز در محلی از هندوستان و یا خارج هند موجود باشد.

مورد دیگر ذکر کتاب درس‌گذشت نادر، بیست جلد کتابی بوده که ابوالفیض خان والی بخارا با دویست رأس اسب ترکمانی و سیصد نفر شتروجیقه پادشاهی خود به نادر تقدیم کرد. دریان واقع تأليف خواجه عبدالکریم کشمیری که در سفر بخارا همراه نادر بود، این قضیه را چنین ذکر میکند: «بعد از انفراخ از انصاص این امور مذکور، بیست جلد کتاب خوش خط و دو صد رأس اسب ترکی و سیصد نفر اشتر بمعه (بعیت) جیقه مرصع که بسرمیز دند، مصحوب حکیم اتالیق بخدمت نادرشاه فرستاده اظهار انکسار نموده، از آن جمله جیقه را واپس دادند که سلطنت هاوراء‌النهر بشما مبارک و حیوانات را بکارخانجات سپرده و کتابها را به مهدیخان منشی‌الممالک و میرزا فردوسی وغیره انعام فرمود و ظاهرآ بخشش کتاب برای رفع طعنه **يحمل** اسفاراً خواهد بود»؟^۱ مورد سوم دفتری است که عکس‌یک صفحه از آن را سایکس در تاریخ ایران خود چاپ کرده است و در آنجا اشاره به تقدیم کتابی از طرف کیومرث خان ملک سیستان به نادر میرود که او آن را بخود ملک کیومرث رد کرده است تا بخواند، با امضای طهماسبقلی خان افشار که همه آثار نادرستی و جعل بودن در آن صفحه درست به دیده میرسد. خوشبختانه عین آن صفحه در اوراقی از مجموعه‌یی اهمیتی اخیراً در اختیار یکی از کتابدوستان نامی (**آقای فخر الدین نصیری**) قرار گرفته است.

اکنون ذکر این نکته در حاشیه این مطلب ضرورت دارد، کتابهایی که نادر به کتابخانه رضوی مشهد تقدیم کرده نسخه‌هایی بوده است که بعد از فرار اشرف از اصفهان و سقوط شاه طهماسب، در کتابخانه پادشاهی اصفهان هنوز باقی‌مانده بود و نادر آنها را برای حفظ و حراست، از اصفهان به مشهد فرستاد.

در حقیقت چند صد کتابی که از هزارها نفایس کتابخانه پادشاهی شاه سلطان حسین تا شاه عباس بر جا مانده بود، بوسیله نادرقلی نایب‌السلطنه شاه عباس سوم، از اصفهان به مشهد انتقال یافت تا بر جای پیاند. دیگر در تاریخ نادر ذکری از کتاب نمیرود جز نسخه قرآن دست‌نویسی که سلطان محمود خان عنمانی از خط خود برای نادر از اسلام‌مقبول‌هدیه فرستاده بود و ترجمه‌های فارسی قرآن و توریه و انجیل که زیر نظر میرزا مهدیخان

۱ - از ورق جلد دوم عالم‌آرا، نسخه عکسی کتابخانه محیط که از روی میکروفیلم نسخه عکسی مدرسه زبانهای شرقی لندن به سعی دوست داشتمند آقای دکتر مثاین فریدنی عکس برداری شده است.

۲ - ورق ۴۳ - ب از نسخه عکسی کتابخانه محیط که از روی نسخه بیان واقع موزه بریتانیا به سعی دوست فاضل آقای اسدالله طاهری عکس برداری شده است.

تصویر رموز حمزه یا امیر حمزه بزرگ و مصور که هزار و چهارصد تصویر داشته وقطع آن تقریباً در حدود قطع قرآن سمرقند گور امیر تیمور بوده که اینک معروف به خط باسنقری است و صفحه‌ها و سطرهای متعددی از آن قرآن در کتابخانه آستانه رضوی مشهد و برخی مجموعه‌های عمومی وخصوصی وارد است.

در عالم آرای نادری داستان اصرار و علاقه‌ای که نادر به همراه آوردن این اثر به ایران داشته بدين شرح نوشته شده است: «دیگر از جمله تحفه‌ها کتابی بود مشهور به رموز حمزه که خوشنویسی بسیار خوب آنرا کتابت نموده و نقاشان و صحابان و مذهبیان صاحب وقوف، مقطعات آن را مصور پشت‌ورو نموده بودند که هرجنگ و جدال و مجلس آرایی و عیاری عمر و بنی‌امیه و باقی مقدمات را طوری تصویر کرده و ساخته که عقل از تصور آن عاجز و آن کتاب را به بار دوقطار شتر می‌بستند.

چون دارای زمان خواهش آوردن آن را نمود، محمد شاه صحمان‌الدوله وزیر اعظم را به خدمت گیتی‌ستان فرستاد و خواهش آن نمود که آن کتاب را چون ملاحظه فرمودند به انعام ما مقرر فرمایند.

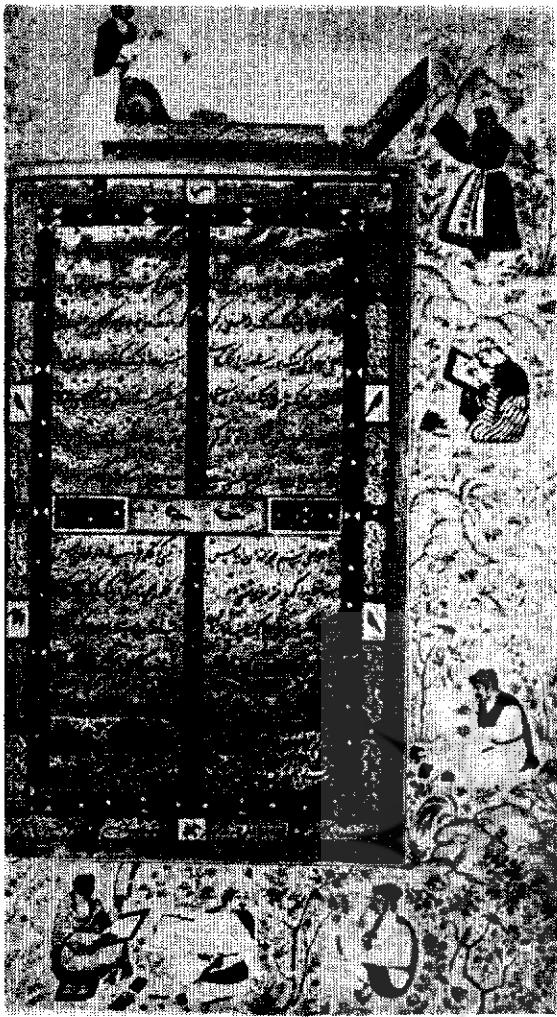
حضرت صاحبقران در جواب فرمودند که هرگاه خواهش نبردن جمیع خزانین را نمایند قبول میفرماییم اما خاطر اقدس تعلق به مطالعه آن کتاب به مرسانیده، انشاء الله تعالى از ممالک ایران خواهم فرستاد و صحمان‌الدوله معروض داشت که محمد شاه را از بردن خزانه، مساوی سرمویی ملال بخطاط آن خطور نمی‌نماید اما بجهت این کتاب بسیار مکدر خاطر گردیده است.

بنده‌گان اقدس میرزا زکی‌ندیم خاص خود را فرستاد که رفتہ در خدمت پادشاه مذکور معذرت خواهی کتاب را نمود، ناچار محمد شاه سکوت اختیار نمود.

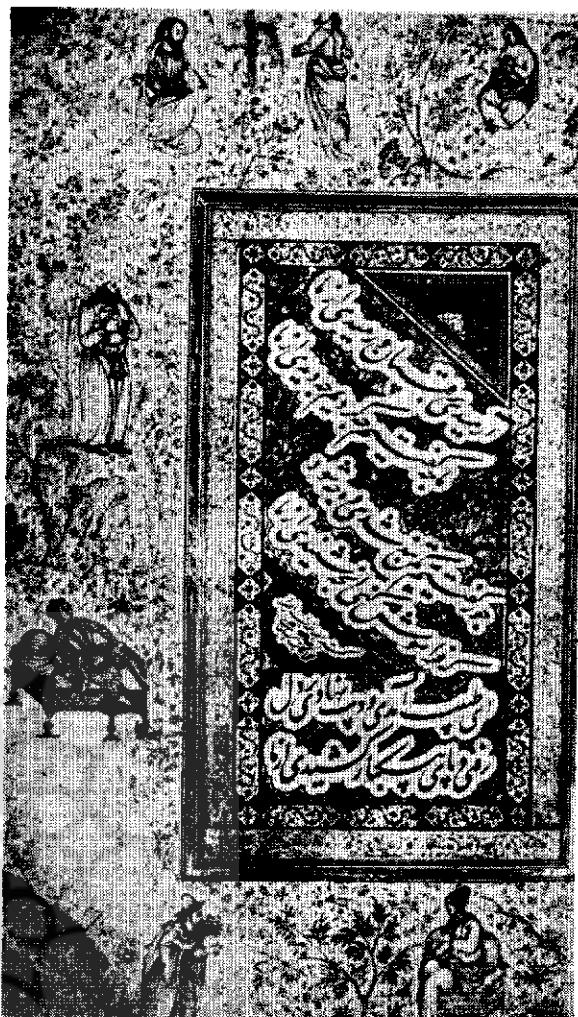
هر ورق مساوی یک ذرع و نیم شاه طول و سه چهاریک، عرض داشت و جمیع ورقهای آن را مقواکرده بودند».^۱

نادر پس از بازگشت از هندوستان یکی دوبار مقداری از فیلها و هدایا و اشیاء گران‌بهائی که از هند با خود همراه آورده بود برای محمد شاه به شاهجهان آباد پس فرستاد و در مکاتیب میرزا مهدیخان نامه‌ای در این بابت هست که اشعار میدارد، این اشیاء در حضرت دهلی بیش از ایران مورد استفاده خواهد بود. بعيد نیست نادر بنابوشهای که در حین بازگشت داده بود، نسخه رموز حمزه را بوسیله گنجرام گنجور و میرزا محسن خزانه‌دار به هند بر گردانیده باشد. زیرا چنانکه میدانیم نادر به حفظ عهد و قول خود مفیک و بنام بود و بین نظر است که ذکری از آن اثر مصوّر در اسناد و مدارک مربوطه به پایان عمر نادر و پس از مرگ او نمیرود.

آیا سر نوشته این کتاب چه شد برای من معلوم نیست ولی



شکل ۵



شکل ۴

سرزمین خارج شده و دست به دست گشته تا به دست ولات کردستان رسیده است و بعدها توسط این خانواده به ناصرالدین میرزای ویعهد ایران تقدیم شده باشد.

تاریخ حیات ویعهد از این نسخه در سال ۱۲۶۳ به خط او بریکی از صفحاتش نوشته شده است اما در اینکه نام این مرقع گلشن بوده، یا اینکه نام دیگری داشته و یا اینکه بی‌نام بوده و بعد در عهد ناصرالدین‌شاه بدین نام موسم گشته، قرینه‌ای در خود مرقع به دست نمی‌آید و در هرجا از آن که نام مرقع گلشن ثبت شده، مربوط به عهد ناصری و بعد از آن است.

بانو روا گذار که در سی‌وان‌دی سال پیش به مناسبت سمت رسمی و موقعیت اداری شوهرش (آندره گذار) برای او امکان بررسی و عکس برداری ازیرخی تصاویر آن پیش از دیگران

به دستور نادر انجام پذیرفت.

بنابراین تصور اینکه نادر کتابخانه سلاطین هند را از دهی به ایران منتقل ساخت و به کتابخانه رضوی مشهد اهداء کرد، مطلبی بی‌اساس است و کسانی که این اشتباہ را کرده‌اند در میان کتابهای انتقالی از اصفهان به مشهد در دوران نایب - السلطانگی نادر با ارمنانهای سفر هندوستان او خلط موضوع کرده‌اند.

بر گردیم به اصل مطلب که مرقع گلشن باشد این مرقع که در اسناد تاریخی هندوایران مربوط به سفر نادر ابدأ ذکری از آن در میان نیامده، ممکن است بعدها ضمن حوالش که در طی مدت یکصد سال متولی در هند رخ میداد بوسیله روایه‌ها و افغانها و مهاراتها و مهاجمین دیگر آسیائی و اروپائی از آن

که برای شاه جهان پسر جهانگیر ترتیب داده بودند.
قبل از ورود در این تحقیق و تطبیق به نقل صورت خطی
دیباچه میپردازیم :

«دیباچه مرقع پادشاه جهان صاحبقران ثانی
بموجب حکم نوشتہ اند

زیباترین نگارخانه و کارنامه مقصود، آرایش صفحهٔ حمد
وسپاه پادشاهیست که رسّاق قدرتش، گوناگون نقش بدیع
بكلک کن بر لوح تکوین نگاشته و چهره پرداز صنعتش، رنگارنگ
صورت دلپذیر در نگارستان ارحام بخانمه بیرونگ پرداخته.
 قادری که حدیقه طبع نقش طرازان کارگاه معنی را آب ورنگ
بخشیده و بقلم مو شکاف حکمت، غباری دلآویز بر صفحه عدار
لاه رخان کشیده. از نیرنگ نگاری خامه ابداعش، مرقع
رنگین چمن را در کارخانه ریبع صدرنگ تصویر پیدا واز
شگرف کاری کلک اختراعش در صحیفه منقش گلشن وبرورق
گل هزار گونه تحریره وریدا. نقش بند خرد از تماسای محسنات
صنايعش چون پرگار سرگردان کوی حیرانی و دیدهوران
کامل نظر در عرفان مصنوعات بدایعش بسان نقطه پابند دایره
نادانی.

نقش طرازی که بصنع بدیع
رانده قلم بر صفحات ریبع
نامه گل راز نما خامه کرد
نامیه را حرف کش نامه کرد
راست چنان کرد مصوّر خیال
کان بتصوّر ننماید جمال
نقش چنان بست بهترن که هست
کش بدل خود تتوان نقش بست
آنچه بهستی رقمش حرف جوست
خامه گذار رقم صنع اوست.

درود نامحدود شثار مقام محموده نوآین نقش کارگاه
وجود، گلبن حدیقه لولاك لاما خافت الا فلاک، سر لوح
صحیفه ما آرسنالک، بهار روضه رسالت، نگار صحیفه جلالت.
آن موکب دور هفت جدول گرداب نشین و موج اول
خاکی و براوچ عرش منزل آبی و کتاب خانه در دل
اما بعد این گلشیست نظر فریب گلچینان بهار فرنگ که
در ب متزل پر نیرنگ نظیر ش جزر خواب تتوان دید و چمنیست
فردوس بین دلگشای باریک بینان دقیقه سنج که مثلش جز
بکارخانه خیال تتوان یافت. آعنی مرقع مینو طراز پرداخته
و آراسته خامه جادو رقم مصوران سامری فطرت و نگاشته کلک
سحر آفرین. رسامان مانی فطنت و بهزاد طینت، رنگ آمیزی
نقوش خرد فیش خیال جنگ از لوح ضمیر شسته، مرغان
چمن از سرخوشی نشاء آب ورنگش با حریر هم آغوش و تازه

میسر گردیده بود. در نخستین بخش از دفتر نخست مجموعه آثار
باستان که در ۱۹۳۶ میلادی بوسیله کتابپرورشی گوتنر پاریس
به چاپ رسیده، مدام گدار او لین مقاله را اختصاص به معرفی
این مرقع داده است. این مرقع که توسط دولت ایران به نمایشگاه
تماشاگران و موردن بررسی و تتبیع اهل فن قرار گرفت و ذکر
آن مانند کوه نور و تخت طاووس بیش از پیش بربانها افتاد.

از آن زمان بدینظرف، این نسخه بارها مورد مشاهده
ومذاقه و مطالعه هنرشناسان و هنردوستان شرق و غرب قرار
داشته و مینیاتورهای متعددی از آن در آثار هنری انتشار یافته،
نقل شده است.

مجموعه مینیاتورهای ایران که بوسیله یونسکو چند سال
پیش چاپ و انتشار یافت مشتمل بر نمونهای متعددی از آثار
هنری این مرقع بی نظیر است.

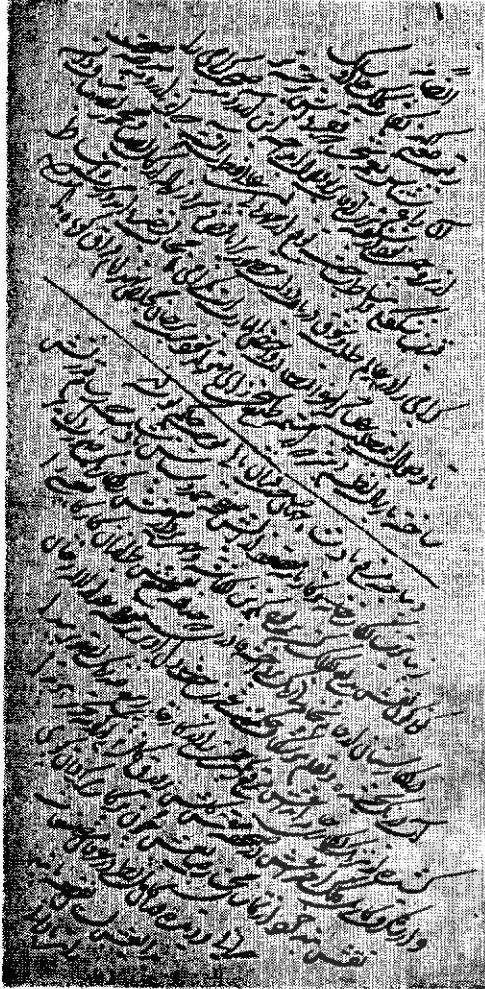
شاید در آینده ترددیکی دولت ایران یا دربار سلطنتی و یا
یک بنگاه نشر داخلی و خارجی دست به چاپ کپیه کاملی از این
دفتر بیهمتا بزند و مجموعه آن را قابل استفاده برای همه کسانی
سازد که فعلاً دسترسی بدان برای ایشان میسر نیست. زیرا
کثرت مراجعه به نسخه اصل مرقع قطعاً سبب فرسودگی
و ساییدگی واژهم گسیختگی بیشتر اوراق آن در آینده خواهد
شد و کپیه چاپی کامل از آن که درست از حیث رنگ و قطعه کاغذ
و جزئیات همانند نسخه اصل باشد به دوام عمر نسخه اصل کمک
مستقیم خواهد کرد.

خانم گدار و کسانی که پیش ازاو و بعد ازاو در این مرقع
سینه نظر داده اند از روی قرایبی که در برخی از اوراق آن یافت
میشود مرقع را از آن جهانگیر پسر اکبر شاه میدانند و دليل
محکم آنان وجود نام جهانگیر با عنوان پادشاه دریکی دو صفحه
از آن میباشد در صورتیکه وجود خط شاهجهان بر آن را گواه
این نشرده اند که شاید مرقع برای او ساخته شده باشد.

* * *

در مجموعه‌ای از کتابخانه محیط که مشتمل بر مقداری از
آثار منظوم و منثور فارسی هند و ایران است، در دنباله آثار منثور
منقول از کسی که قسمت مقدمه نقل آن با فام نویسنده آنها
از میان افتداده و به وسیله کلمه (منه) قسمت موجود بهجز مفقود
میباشند، صورت دیباچه مرقعی ثبت شده است که آن را به نام
مرقع پادشاهی در اول و آخر قید کرده است.

قسمت اعظم این مجموعه به خط دست عاشق محمد ابن
محمد منعم قادری هندی نوشته شده است که در یکجا تاریخ
۱۱۱۲ و امضای او با هم در نسخه دیده میشود. مطالعه این
دیباچه منقول از اصل مرقع و مقایسه محتویات آن با مشخصات
مرقع گلشن این شیوه را برای من تولید کرده است که مرقع
گلشن طهران کلا و یا جزء شامل همان مرقع پادشاهی است



٦

دهر بدورانش گلستان شده بلبل تصویر غزلخوان شده در مدت نه سال بفترخی فال حسن انجام و رتبت انصرام پذیرفت. اگرچه این کارنامه لطف و هنر و مجموعه نوادر هفت کشور که مشتمل است بر یک صد سوی و چهار ورق پنداری شاهدیست خطابی بر عارض او خط مشکینش از یک طرف مزین بقطعه های خطوط شایان تحسین خفی و جلی سردفتر خوشنویسان جهان ملامیر علی که خط نستعلیق او کرسی اعتبار ثلث و نسخه و ربیحان، شکسته و جانب دیگر مزین بتصویر کار مصوران بی نظیر سر کار گیتی مدار که آتش رشک در کانون دل نقش طرازان چین و چهره پردازان فرنگ افروخته، از وصمت بها و داغ قیمت معبراست و مبصیران باریک بین و استادان دقیقه یاب تصویر، تعیین قیمت این نادره شمشورق هفت پرگار که بی معامله ریب در روی زمین نظیرش بسان عنقا و کیمیا معدهم است از تئاشفات می شمارند.

اما چون اظهار مبلغی که از سر کار عالم مدار صرف این

نگاران را از ملاحظه گل و پرگ نازکش مضمون چمن و عبارت گلشن فراموش.

خط دل آویز قطعاتش چون طریق شاهدان چین و چگل دام دل هوشمندان و هر حرف دلنشین او چون خط و خال خوبان فرخار و ختن مایه شکفتگی خردمندان. سپهر سالخورده با هزاران چشم اخترش در کارخانه روزگار کهن سال... ۱ گلشن جاوید بهار جادو نگار جز نام کاغذ، خطاط توان یافت و بدربایی این تازه نگار کارگاه محبوی شاهدی در زیر این سقف دوتا توان یافت.

خطهای زرنگارش در رنگ خطوط شعاعی خورشید نورانی و صفائح چمن زیب تصویرش چون بهار مستعد گل افشاری. اگر چرخ فلک چون پرگار گرد هر نقطه رنگیش بسر گردد، سر است و اگر رضوان این نوآین نامه نشاط آگین را تمیمه بازوی [حور]^۲ خواند رواست.

زبانم غارت رنگ چمن کرد

از این رنگین مرقع چون سخن کرد

بهار از طبع رنگینش رضا جوست

تو پنداری چمن یک قطعه اوست

کشد بر صفحه اش خورشید انور

ز خطهای شعاعی جدول زر

چنان خطش بخوبی عهد بسته

که شان خط محبوی شکسته

در کارخانه اقبال پادشاه بحر ویر، صاحب سریر هفت کشور، گردون شکوه، سکندر صولت، سلیمان بارگاه، بر از نده اورنگ جهان بانی، فرازنده علم گیتی ستانی، پادشاهی که از بهار احسانش استعداد گل گل شکفته واژیم سناش سماک چون سماک در بحر اخضر نهفته. غلغله کوس فیروزیش در گنبد فیروزه پیچیده واژهم تیر جهانگیرش، بهرام بربام پنجم لرزیده.

فلک از بهر تعظیم جلالش پیوسته خم و اطلس چرخ از اندازه پانداز قدرش قدری کم. مشاهده عدلش عروس جهان را بنگار امن و امان آراسته و بهار خلق کریمیش گیتی را چون چمن بصد رنگ پیراسته، گلهای تحریر بمثت مشام میمونش بوبیا و بلبل تصویر به محبت تام نام همایوشن گویا.

شاه نوین رفت والا مکان شاهجهان ثانی صاحبقران

نور سحر سایه دیوار اوست بال هما طریق دستار اوست

کوکب دولت گهر افسرش سرمه خورشید غبار درش

فیض، نیمی ز گلستان اوست ماه، چراغی ز شبستان اوست

^۱ - گویا افتادگی دارد ولی در متن پیوسته است.

^۲ - [حور] افزوده شد.

جهان چون خاتمش زیر نگین باد
کلیدِ عالمش در آستین باد
تمت تمام دیباچه مرقع پادشاهی.
(شکلهای ۶ و ۷ و ۸ و ۹).

* * *

از تعریف و توصیفی که دیباچه‌نگار بنایه امر شاه جهان براین مرقع نوشته معلوم می‌شود که :

- ۱ - مرقع مرکب از خط و نقاشی است.
- ۲ - یکصد و سی و چهار ورق دارد.
- ۳ - قطعات خط آن غالباً از خطوط نستعلیق سخنی و جملی میر علی هروی است.
- ۴ - هر ورقی از آن مزین به تصویر کار مصوران سر کار پادشاهی بوده است.
- ۵ - در مدت نه سال، تفصیله شده است.

- ۶- صدوبیست هزار روپیه خرچ آن شده است.
- ۷- صدوبیست هزار روپیه در آن روز مساوی چهار هزار و سیصد و سی و سه تومان عرقی (ایران) و سیصد و هفتاد

تحفه روزگار شده ناگزیر خامه حقیقتنگار است لاجرم
برصفحهٔ بیان نگارش مینماید که مبلغ یک لک و بیست هزار
روبیه که چهار هزار تومان و یکصد و سی و سه تومان عراقی
و سه لک و هفتاد و دو هزار خانی رایج توران باشد صرف پیرایه
وجود این زیبانگار حجله دلبری و رعنای شاهد پرده زیبائی
گشته . نقاب از چهره دلفری پیش درینم رعونت و تکمیل برداشت
و در مجال استحسان جلوه تمامیت یافت . چون صفحات این
جزیده آمال مستغنى از آرایش توصیف و تعریف خامه فطرت
است لهذا عنان گلگون خوش خرام اندیشه را از این وادی
منعطف ساخت ، پسندیده خیر صواب اندیش دانسته بصفحه
آرایی دعای خدیو کشور گشا که سجیه مرضیه خاک نشینان
راه عبودیت اوست مهربان دارد :

خدايا تا جهان را آب و رنگ است
فلک را دور و گیتی را درنگ است

جهان را خاص این صاحیق‌قرآن کن
فلک را یار این گیتی ستان کن

میرعلی مزین است و اگر خطوطی از دیگران در آن وارد شده
معدود و محدود است . چنانکه دربیکی از اوراق بخش جدا گانه
آن دیده میشود ممکن است اساس این مرقع برایک مرقع مذهب
کهنه‌تری بوده که میرعلی هروی از قطعات خط خویش در حیات
خود ترتیب داده بود (شکل‌های ۳ و ۴ و ۵) .

خامساً - صورتهایی که خانم‌گدار به جهانگیر نسبت
میدهد چون غالباً معرفی همراه ندارد ممکن است مربوط
به شاه جهان باشد و هیچ اشکالی ندارد که پس از در مرقع خود
نقاشی و خط و آثار دیگر پدر خود را اقرار بدهد .
با این ملاحظات در میان وصفی که از مرقع پادشاهی در
دیباچه آن رفته با آنچه در این مرقع کتابخانه سلطنتی دیده
میشود نقاط قابل تطبیقی میتوان یافت که اندیشه مرا متوجه
بدین نکته کرده است که مرقع پادشاهی شاهجهان همین مرقع
گلشن قصر گلستان طهران است .

در این دیباچه ایراد کلمه گلشن و چمن در چند مورد
وقید «ضمون چمن» و «عبارة گلشن» در یک مورد ، میتواند
ذهن پژوهنده را متوجه این نکته سازد که مرقع پادشاهی را
با صفت گلشن و چمن یاد کرده‌اند .

این نکته نشان میدهد که اسم مرقع گلشن چنانکه برخی
پنداشته‌اند در دوره ناصرالدین شاه براین مرقع اطلاق نشده
بلکه این نام با اوراق مرقع همراه به ناصرالدین میرزا ولیعهد
در ۱۲۶۳ قمری منتقل گشته است .

در خاتمه از محبت و همراهی دوست فاضل و همشاگرد
قدیم نویسنده و رئیس بصیر و خبر کتابخانه سلطنتی ، جناب آقای
دکتر مهدی بیانی که مرا دراستفاده از مرقع گلشن و اوراق
ضمیمه آن و تحصیل معلوماتی راجع به کیفیت انتقال آن
به کتابخانه یاری فرموده‌اند ، مشکرم و امیدوارم قصد خیر
ایشان در معرفی دقیق فنی از این اثر هنری بی‌نظیر ، هرجه
زودتر در ضمن اثر چاپی مستقلی جامه عمل بپوشد .

مراجع :

- ۱ - مرقع گلشن کتابخانه سلطنتی واوراق پراکنده آن .
- ۲ - جنگ نشر و نظم محمد عاشق قادری . نسخه کتابخانه
محیط .

۳ - دوران نادر - تألیف نگارنده (خطی) .

۴ - بیان واقع نسخه عکسی کتابخانه محیط .

۵ - عالم آرای نادری نسخه عکسی کامل کتابخانه محیط .

۶ - مجموعه مکاتبات نادری بقلم میرزا مهدیخان
دیگران - تنظیم نویسنده (خطی) .

۷ - آثار ایران بزبان فرانسه چاپ پاریس - جزء اول
ازدفتر اول .

۸ - آیین اکبری چاپ نول کشور درسه جلد .

۹ - شاهجهان نامه چاپ کلکته .

و دو هزار سکه خانی توران (بخارا) بوده است .
باقدری ملاحظه و مقایسه مینگریم که برخی از این اوصاف
بر مرقع گلشن کتابخانه سلطنتی تهران بیش از هر اثر هنری
موجود دیگری تطبیق میکند :

اولاً - تعداد اوراق مرقع مجلد واوراق پراکنده تقریباً
به میان حدود ممکن است برسد .

ثانیاً - تصاویر این مرقع عموماً کار صور تگران دربار
دهلی است و ایشان احیاناً برخی از آثار بهزاد یا مصور دیگری
را نسخه برداری کرده‌اند (شکل ۱) .

متوجه ، بشناس ، دولت ، آقا رضای مصور و ابوالحسن
پسر او و کوهن از چهره نگاران عهد جهانگیر و شاهجهان ،
کسانی هستند که نام یا امضا آنها بر اوراق این مرقع ثبت است .

ثالثاً - خط شاهجهان در کنار یکی از تصاویر به چشم

میخورد که مینویسد :

« شبیه خردسالی من است حَرَرِ شاهجهان » (شکل ۲) .

رابعاً - غالب خطوط نستعلیق جلی و خفی مرقع به رقم